

تحمیل فقر علت اصلی خودکشی ها

صفحه ۲

عبدال گلپریان

فتوای خامنه ای درمورد واکسن جنایتکارانه است

صفحه ۲

حزب کمونیست کارگری ایران



تبعیض ملی، مسئله زبان و راه حل کمونیسم کارگری



این نوشته بر مبنای مصاحبه با تلویزیون کانال جدید تدوین شده است

خلیل کیوان: ستم و تبعیض و حتی تحقیر بر اساس ملیت واقعیتی است که آشکارا بر بخشی از مردم ایران اعمال میشود. محرومیتهای اقتصادی و سیاسی و اجتماعی و فرهنگی به خاطر تعلق ملی و قومی یکی از مظاهر زشت و غیرانسانی جامعه ایران است. محروم کردن بخشی از مردم در استفاده از زبان مادری و عدم به رسمیت شناختن زبانهای رایج در کشور یکی از بزرگترین تبعیضات بر اساس ملیت است.

ناسیونالیستها و قومگرایان بر مسئله ستم و تبعیض ملی انگشت میگذارند و از آن تغذیه میکنند. آنها بالاخره دردی را بیان میکنند و خواهان رفع این مسئله هستند. حمید تقوایی، شما که از منتقدین ناسیونالیستها و قومگرایان هستید، آیا فکر نمیکنید که در انتقادات به آنها تندروری

صفحه ۳

گزارشی اماری از کشته و زخمی شدن کولبران در سال ۲۰۲۰

صفحه ۴

شاهرخ نقدی

جوانمیر مرادی فعال سرشناس کارگری به قید وثیقه از زندان آزاد شد

صفحه ۵

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

اخبار و گزارشات هفتگی از وضعیت زنان

صفحه ۵

عزیزه لطفی

خانواده های جانباختگان هواپیمای اوکراینی شایسته بهترینها هستند

صفحه ۶

عبدال گلپریان

حکم چهل و یک سال زندان برای معترضین به کشتارمسافران پرواز اوکراینی

صفحه ۷

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی

اطلاعیه های حزب در مورد اعتراضات کارگری

*کارگران نیشکر هفت تپه پیگیر مطالباتشان هستند
*کارگران هفت تپه متحده کنار نمایندگانشان ایستاده اند
*کارگران هفت تپه به تجمعات اعتراضی در دفاع از نمایندگانشان ادامه میدهند
*کارگران فولاد اهواز بساط "انتخابات" شورای اسلامی را بهم ریختند

صفحه ۸

فضای ارعاب، دستگیری و فشار بر فعالین کارگری در کردستان را باید درهم شکست

صفحه ۷

هه ژار علی پور

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

فتوای خامنه ای در مورد واکسن جنایتکارانه است

فتوای خامنه ای مبنی بر ممنوعیت خرید واکسن از کشورهای غربی یکبار دیگر اوج رذالت و دشمنی او و کل حکومت اسلامی با مردم را به همگان نشان داد. این سیاست ادامه همسویی های ده ماه گذشته حکومت با کرونا و بازی آشکار با جان مردم است.

در طول ده ماه گذشته، حکومت اسلامی نه تنها کوچکترین کمکی به مردم و کادر درمان در مقابله با کرونا نکرد بلکه با پنهانکاری و باز گذاشتن اماکن مذهبی و پر کردن زندانها و تشویق مراسم های حکومتی و تجویز روغن بنفشه و سایر مزخرفات طب اسلامی، هرچه بیشتر به اشاعه کرونا کمک کرد و جان انسان های زیادی گرفته شد. و اکنون رهبر رذل و الدنگ حکومت در ادامه این سیاست های غیر مسئولانه و بیگانه با علم و جامعه گفته است که واکسن های غرب قابل اعتماد نیستند و خرید واکسن از آمریکا و انگلیس ممنوع است.

مردم به اراجیف خامنه ای با کارزار #واکسن_بخرید از قبل پاسخ داده اند و کوچکترین اعتمادی به واکسن داخلی

حکومت، حکومتی که در پنهانکاری و دروغگویی دست امثال گویلز را از پشت بسته است، ندارند. مقامات حکومت و آیت الله ها که از بهترین خدمات پزشکی برخوردارند، هیچ محدودیتی برای تهیه واکسن از آمریکا و انگلیس ندارند. این توده های مردمند که مشمول ممنوعیت واکسن غربی میشوند و در حالیکه کوچکترین حفاظتی از جان آنها و کوچکترین کمکی برای تامین زندگی آنها نشده است، قرار است قربانی تصمیم جنایتکارانه خامنه ای و کل حکومت اسلامی شوند.

حزب کمونیست کارگری خامنه ای و کل حکومت ضد انسان اسلامی را شدیداً محکوم میکند و همه مردم بویژه پزشکان و کل کادر درمان و کلیه تشکل های مردمی را فرا میخواند که قاطعانه علیه فتوای خامنه ای که به معنی مرگ و میر و ابتلای بیشتر به کرونا است، بایستند و یکصدا خواهان خرید واکسن و رایگان بودن آن برای همه مردم بشوند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۹ دی ۱۳۹۹
۸ ژانویه ۲۰۲۰

حزب کمونیست کارگری خامنه ای و کل حکومت ضد انسان اسلامی را شدیداً محکوم میکند و همه مردم بویژه پزشکان و کل کادر درمان و کلیه تشکل های مردمی را فرا میخواند که قاطعانه علیه فتوای خامنه ای که به معنی مرگ و میر و ابتلای بیشتر به کرونا است، بایستند و یکصدا خواهان خرید واکسن و رایگان بودن آن برای همه مردم بشوند.

**برای رهایی از ویروس کرونا
باید از کرونای
جمهوری اسلامی رهایی یافت!**

**سرنگون باد حکومت
چپاول، دروغ و جنایت اسلامی**

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran

تحمیل فقر علت اصلی خودکشی ها



عبدل گلپریان

همچون پرتاب يك قلاب از راه دور طعمه را میکشد. میتوان آمار اعدامهای سالانه حکومت را با خودکشی ها مقایسه کرد یا بعنوان دو خط موازی در کنار هم قرار داد. کشتن و کشتاندن.

بکار بردن واژه مضاعف برای پدیده خودکشی در جمهوری اسلامی هنوز تمام ابعاد دهشتناک تحمیل شده به جامعه را نمیتواند توضیح دهد. آنچه که جنبه مضاعف بودن خودکشی در ایران تحت حاکمان اسلامی را میرساند همان موازی بودن کشتن و کشتاندن و گسترش ابعاد وسیع اعدامها طی بیش از چهار دهه و نهادینه کردن روش خودکشی ها است. از میان تمام روشهایی که فرد برای گرفتن جان خود بدست میگیرد، حلق آویز کردن بیشترین موارد را به خود اختصاص داده است. پرتاب از بلندی یا خودسوزی روشهای بعدی هستند.

از خط زیر گرسنگی گرفته تا قوانین، فرهنگ و سنتهای ضد انسانی اسلامی، از ابزارهای سرکوب و تحقیر گرفته تا ایجاد وسیع ترین محدودیتهای اجتماعی، از رواج فرهنگ مردسالانه و ناموس پرستی و سوق دادن زنان بطرف خودکشی گرفته تا نهادینه کردن روشهای پایان دادن به زندگی، همه و همه فراتر از مضاعف بودن پدیده خودکشی در ایران تحت حاکمیت جانوران اسلامی است.

موجودیت حکومت اسلامی یعنی ضدیت با حق حیات انسان. پایان دادن به عمر هیولای وحش اسلامی و تحقق جامعه ای آزاد، برابر و انسانی همزمان و مترادف است با پایان دادن به پدیده خودکشی در ایران. راه حل پایان دادن به پدیده خودکشی، سرنگونی کردن انقلابی مافیای اسلامی حاکم بر ایران است.

۲۳ دی ۱۳۹۹

۱۲ ژانویه ۲۰۲۰

عمومیت پدیده خودکشی

آنچه که در پدیده خودکشی بطور عموم میتواند عادی جلوه کند عبارت است از: افسردگی، سرخوردگی، ناامیدی، به بن بست رسیدن و بسیاری نمودارهای دیگر از این دست. این موارد بنویه خود معلول هستند نه عامل. هر يك از موارد یاد شده میتواند ناشی از شرایط و موقعیت اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی حاکم بر جامعه باشد که فرد در آن قرار گرفته و تعیین کننده هستند. شکل گیری شخصیت فردی که اقدام به خودکشی کرده است میتواند یکی دیگر از دلایل خودکشی محسوب شود. دوران کودکی، نوجوانی و کلا موقعیتی که در آن رشد کرده است و عدم توانایی و عدم امکانات لازم در مواجه شدن با مشکلاتی که با آنها روبرو است.

این دست از خودکشی ها الزاماً ممکن است ربط خاصی به شرایط اقتصادی فرد نداشته باشد. خودکشی هایی به ثبت رسیده است که فرد از نظر مالی بی نیاز بوده و چه بسا موقعیت اقتصادی مناسبی هم داشته است. اگر حتی از نظر اقتصادی بی نیاز بوده باشد باز هم شرایط و مناسبات اجتماعی، محیط رشد و فضای حاکم بر جامعه میتواند فرد را به یاس، ناامیدی و پوچی در زندگی برساند و این میتواند استارتی برای پایان يك زندگی بدست خود فرد باشد.

تحمیل فقر يك علت اساسی است

و بالاخره آنچه که در ساختار مافیای اسلامی اصلی ترین عامل برای خودکشی در میان، زنان، مردان، کودکان و جوانان محسوب میشود فقر و موقعیت بغایت دهشتناک شرایط اقتصادی است. اگر بازداشت و زندانی نشده باشید و کودک خانواده برای تامین معاش به زباله گردی پردازد، یعنی تحمیل و نشان دادن مسیر خودکشی برای کودک یا والدین از سوی حاکمیت، فقر همان طنابی است که حکومت اسلامی بدون زندان و بدون صدور حکم اما با فراهم نمودن يك موقعیت فروودست و زیر خط گرسنگی بر گردن يك متهم می اندازد که شخص خود برای پایان دادن به این فلاکت دست بکار شود. فقر و نداری طنابی تحمیل شده به فرد است که حاکمیت با اعمال آن

خودکشی ها در ایران

اما در ایران تحت حاکمیت هیولای اسلامی پدیده خودکشی متفاوت از هر جای دیگری است. قوانین و سنتهای اسلامی و ضد انسانی حاکم بر زندگی مردم فارغ از هر گونه مشکل اقتصادی به تنهایی میتواند عاملی برای خودکشی بویژه در میان جوانان باشد. شرایطی که هیچگونه قربانی بین آرزوهای نسل جوان که منطبق بر دنیای مدرن و مترقی قرن بیست و يك است با

از صفحه ۱

تبعیض ملی، مسئله زبان...

باشند و منافع سیاسی و اقتصادی شان در آن چهارچوب ملی ای که ایدئال شان است برآورده شود. اصلاً در طی تاریخ ملتها و کشورها همینطور ساخته شدند.

ملتها برای رفع تبعیضات ملی ایجاد نشدند، بلکه بر مبنای منافع طبقه تازه بدوران رسیده ای شکل گرفتند که در اروپا در اواخر قرون وسطی علیه دربار و اشرافیت وجوامع بسته فئودالی بمیدان آمده بود و میخواست منافع اقتصادی خودش، منافع طبقه بورژوا یا سرمایه دار را تامین کند. این طبقه برای اینکه بازار خودش را داشته باشد، برای اینکه قدرت اقتصادی و سیاسی خودش را در آن جوامع فئودالی که طایفه ای و خانخانی بودند اعمال کند، ناگزیر بود که همه را زیر پرچم یک ملت گرد بیاورد، ناگزیر بود که جامعه ای به اسم ملت و کشور ایجاد کند تا محدودیتهای جوامع بسته فئودالی را کنار بزند و قدرت اقتصادی و سیاسی خودش را اعمال کند. امروز دیگر در سراسر جهان کشور. ملتها ساخته شده و در همه جا طبقه سرمایه دار حاکم است.

اما یک بخش از سرمایه دارها که به خودشان "اقلیت ملی" میگویند هنوز کشور و دولتی ندارند. آنها در جوامع دیگر جزو یک سیستم کشوری. ملی ای که قبلاً ساخته شده زندگی میکنند. اینها هم میخواهند سری بین سرها درآورند! یعنی بخشی از طبقه سرمایه دار که زبان و تاریخچه خودش را دارد اما دارای کشوری نیست میخواهد کشور خودش را، یعنی بازار داخلی و فعالیت اقتصادی خودش را داشته باشد و قدرت سیاسی خودش را اعمال کند. اینها از ستم ملی که یک مسئله واقعی است استفاده میکنند تا به این هدف برسند.

اجازه بدهید مثالی بیاورم. میدانید که مسئله فلسطین یک مسئله واقعی است. میلیونها نفر از مردم از سرزمین تاریخی خودشان، جایی که در آن زندگی میکردند و اسکان داشتند، آواره شده اند و به جای آن کشوری به اسم اسرائیل ساخته اند. این مسئله واقعی است ولی از این مسئله واقعی احزاب و

نیروهای فوق ارتجاعی اسلامی تغذیه میکنند. یک پایه جنبش اسلام سیاسی همین است. نیروهای مانند حماس، مانند حزب الله، مانند خود جمهوری اسلامی، از این استفاده کردند، از درد و رنج مردم فلسطین تغذیه کردند برای اینکه اهداف ارتجاعی خودشان را پیش ببرند.

ناسیونالیسم هم همین نقش را بازی میکند. احزاب ناسیونالیست قومی به تبعیض و ستم ملی متوسل میشوند برای اینکه به قدرت برسند و منافع سیاسی و اقتصادی طبقه خودشان را تامین کنند.

اهدافی که آنها دنبال میکنند به هیچ وجه همان اهداف توده کارگر یا توده زحمتکشی که تحت ستم ملی قرار دارد نیست، بلکه اهداف همان یک درصدیهاست که در تناقض کامل است با منافع توده مردم همان ملتی که آنها ادعای نمایندگی اش را دارند. این را امروز در کردستان عراق به عینه می بینیم. اساس نقد ما به ناسیونالیسم اینست. تا آنجا که به مساله ستم و تبعیض ملی مربوط میشود "راه حلی" که آنها جلوی مردم می گذارند اتفاقاً تشدید تبعیض ملی است و نه حل آن. امیدوارم که در ادامه این مصاحبه بتوانیم این را بیشتر باز کنیم.

خلیل کیوان : یکی از وجوه این ستمگری مسئله محرومیت از تحصیل به زبان مادری و استفاده از آن در ادارات و در امور فرهنگی و مانند اینهاست. میخواهم از شما بپرسم که تبعیض زبانی و فرهنگی چه تأثیری در زندگی فرد و در اجتماع برای متکلمان به آن زبانها دارد؟ چه تأثیری بر احساس مشترک شان در هم سرنوشتی با کل مردم ساکن کشور دارد؟

حمید تقوایی : به نظر من تبعیض علیه زبان مادری مردمی که به زبانی غیر از زبان رایج در آن جامعه صحبت میکنند یکی از بروزات بسیار مهم ستم و تبعیض ملی است. به خاطر اینکه موضوع صرفاً بر سر تکلم نیست. زبان مادری، زبانی که فرد با آن بزرگ شده و با آن شروع به حرف زدن کرده

و با آن زبان با جامعه، با یک فرهنگ، با یک مناسبات، و با یک ادبیات آشنا شده جایگاه ویژه ای در زندگی آن فرد پیدا میکنند. جایگاهی متفاوت از زبانهای دیگری که ممکن است بعداً یاد بگیرد.

اجازه بدهید مثالی بزنم. الان خیل عظیمی از ایرانیان به کشورهای مختلف مهاجرت کرده اند و یا پناهنده شده اند. بسیاری از آنان زبان کشور محل سکونت خود را به خوبی یاد گرفته اند و به آن زبان صحبت میکنند. با این حال هنوز با زبان مادری بهتر میتوانند خود را بیان کنند. جای زبان مادری را هیچ زبان دیگری نمیتواند بگیرد. شما با زبان مادری، فارسی یا کردی یا ترکی و یا هر زبان دیگری که با آن شروع به تکلم کرده اید، همیشه بهتر میتوانید احساساتتان را بیان کنید، طنز بکار ببرید یا طعنه بزنید، جوک و لطیفه بگوئید، مثل و مثل بکار ببرید، پیچ و خمهای زبان و ظرایف زبان را خیلی بهتر میفهمید و بکار میبرید و غیره. ممکن است شکسپیر و بودلر و هانزیش هاینه را بخوانید و بفهمید ولی آن تأثیری که فرض کنید حافظ یا خیام روی شما دارند، آنها ندارند.

زبان شناسان معتقدند که زبان فقط وسیله تکلم نیست بلکه وسیله تفکر هم هست. یعنی تفکر بدون زبان قابل تصور نیست. کسی که با زبان مادریش شروع به فکر کردن کرده است این امر چنان در شخصیت اش حک میشود که با زبانهای دیگر قابل جایگزینی نیست.

به این دلایل محرومیت از تحصیل و محرومیت از فعالیتهای فرهنگی و اجتماعی به زبان مادری، ظلم خیلی فاحشی است. در بسیاری کشورها زبان مادری مردم مناطقی که بزبان رسمی آن کشور صحبت نمیکند اصلاً برسمیت شناخته نمیشود. گویا جزئی از واقعیات اجتماعی نیست. همه مجبورند در ادارات و آموزش و پرورش و رسانه ها و ادبیات آن زبانی را بکار ببرند که دولت مربوطه در جامعه رسمیت داده است. خب، این در حق کسی که با زبان مادری دیگری بجز زبان اصلی هر کشور به دنیا آمده تبعیض فاحشی است. من هنوز میبینم در میان دوستانم که زبان مادری شان زبانهای دیگری

مثلاً ترکی یا کردی و غیره است و با آن زبان آشنایی بیشتری دارند، با وجود اینکه به زبان فارسی مسلط هستند، وقتی که میخواهند فرض کنید لطیفه ای بگویند یا طنزی به کار ببرند یا وقتی که میخواهند طعنه و کنایه ای بزنند به زبان مادریشان سوئیچ میکنند. آن زبان برایشان راحت تر است. این مختص به "اقلیتهای ملی" نیست. برای فارسی زبانان ساکن در کشورهای دیگر هم دقیقاً همین امر صادق است. آنها هم وقتی میخواهند لطیفه و جوکی بگویند، یا با یک ضرب المثل نکته ای را بیان کنند، یا با بیتی از شاعری منظورشان را برسانند، به زبان فارسی متوسل میشوند. به نظر من این کاملاً طبیعی است و جزئی از شخصیت اجتماعی انسانهاست.

به همین خاطر ما باید تبعیض علیه زبان مادری را ریشه کن کنیم، این را باید از بین ببریم تا بتوانیم ادعا کنیم که ستم ملی را از بین برده ایم. البته ستم و تبعیض ملی منحصر به زبان نیست ولی نابرابری در کاربرد زبان مادری یک رکن مهم ستم ملی است.

خلیل کیوان : راه حل حزب کمونیسم کارگری ایران برای رفع این تبعیض زبانی. فرهنگی چیست؟

حمید تقوایی : ما در برنامه حزب و کلاً در ادبیات و گفتارها و تبلیغات حزب راه حل روشنی برای رفع این مسئله داریم. ما میگوییم امکان آموزش زبان مادری برای همه زبانهای رایج در کشور باید فراهم شود. و داشتن ادبیات، انتشارات، کتاب و مجله و روزنامه به زبان مادری و کاربرد آن در مدیای اجتماعی و در رسانه ها مانند رادیو و تلویزیون و غیره باید قانونی باشد و به رسمیت شناخته شود. دولت موظف است تسهیلاتی ایجاد کند برای اینکه افرادی که به زبانهای مادری (غیر از زبان اصلی آن کشور) صحبت میکنند بتوانند آموزش ببینند، بتوانند ادبیات و فرهنگ خودشان را تدریس کنند یا تحصیل کنند، بتوانند انتشارات ادبی کتاب، رمان، شعرو ترانه و فیلم و موسیقی داشته باشند، بتوانند رسانه های خودشان را داشته باشند (رادیو و تلویزیون و غیره) و کلاً حق داشته باشند که به زبان مادری

فعالیت های فرهنگی و هنری داشته باشند. اینها باید به رسمیت شناخته شوند.

بحث فقط بر سر آموزش الفبا و خواندن و نوشتن نیست. این یک موضوع است. سوادآموزی به زبان مادری باید در همه جا به رسمیت شناخته شود و در مناطقی که به آن زبانها صحبت میکنند این باید قانونی و عملی شود. ولی علاوه بر این باید شعر و ادبیات به آن زبان، موسیقی و ترانه به آن زبان و سایر جنبه های فرهنگی آن زبان هم درس داده شود. الان ما در مدارس مثلاً انشاء به زبان فارسی داریم، ادبیات به زبان فارسی داریم. در مورد زبانهای دیگر هم همین باید به رسمیت شناخته شود. و دولت موظف است تسهیلات لازم را برای اجرای و تحقق این امر فراهم کند.

خلیل کیوان : به هر حال، زبان مشترک یکی از ملزومات هر جامعه ای است. آیا آن تأکیدی که ناسیونالیستها و قومگرایان روی آموزش زبان مادری دارند و این راه حلی که کمونیسم کارگری دارد باعث نمیشود که مردم از هم منفک بشوند، با توجه به اینکه ایران کشوری چند زبانه است و مردمش منتسب به ملیتهای مختلفی هستند. آیا این، کشور را در آستانه تجزیه قرار نمیدهد و آن را تبدیل به چند پارچه و غیره نمیکند؟ با راه حلی که شما دارید و تأکیدی که قومگرایان و ملی گرایان روی این مسئله دارند، آیا خطر این نیست که مردم رو در روی هم قرار بگیرند؟

حمید تقوایی : ابتدا باید بگویم که تجزیه و جدائی و استقلال را ما خود به خود کفراً یا تابو یا مصنوعه نمیدانیم. ما در مناطقی که مسئله ملی وجود دارد اگر مردم در یک شرایط آزاد و از طریق رفرائندوم تصمیم بگیرند که جدا شوند، این را برخلاف نیروهای ناسیونالیست فارس، به رسمیت میشناسیم. ولی گذشته از این، بحث اینجاست که وقتی نیروهای ناسیونالیسم قومی بر زبان تأکید میکنند، در واقع، دارند مسئله ملت سازی، مسئله رسیدن به قدرت برای جدا کردن خودشان از بقیه را مطرح میکنند، همان بحثی که در ابتدا مطرح کردم.

اما برخلاف ناسیونالیستها ما

از صفحه ۳ تبعیض ملی، مسئله زبان...

مراوده داشته باشند؟ مسئله زبان اصلی بین مردم آن کشور چه میشود؟

حمید تقوایی: آنچه در مورد زبان مادری گفتم نافی ضرورت زبان آموزشی اصلی و یا زبان سراسری نیست. مسلم است که زبان اصلی خواهیم داشت. سیاست ما که در برنامه "یک دنیای بهتر توضیح داده شده" این است که یک زبان اصلی و سراسری آموزشی و اداری وجود دارد که جامعه آن را به شیوه دمکراتیکی تعیین میکنند. مثلاً

فرض کنید که زبان آموزشی و اداری اصلی در ایران میتواند فارسی باشد یا هر زبان دیگری که جامعه به آن تمایل داشته باشد و آن را بخواهد. این زبان بعنوان زبان سراسری در همه مدارس آموزش داده میشود.

بنابراین، حق تحصیل و حق فعالیتهای فرهنگی و اجتماعی به زبان مادری به این معنی نیست که مردم فقط زبان خودشان را یاد بگیرند. بلکه به این معنی است که در مناطقی که زبانهای محلی مختلفی رایج است این امکانات برای تدریس زبان مادری فراهم میشود. برنامه ما هم زبان آموزشی و اداری اصلی را به عنوان یک زبان سراسری به رسمیت میشناسد و هم زبانهای محلی یا زبانهای مادری مختلف را.

خلیل کیوان: آیا معنی این حرف شما این است که در کنار زبان سراسری زبانهای رایج دیگر هم در کل مدارس ایران تدریس میشوند؟

حمید تقوایی: خیر! این ممکن نیست و لازم هم نیست. تنها در مدارس مناطقی که زبانهای دیگری رایج اند، مانند کردستان، خوزستان، آذربایجان و غیره، باید زبان مادری تدریس شود. هم به معنی سواد آموزی و هم ادبیات به آن زبان. ولی این دروس در تمام مدارس ایران آموزش داده نخواهد شد. مثلاً در شیراز تدریس زبان کردی موضوعیت ندارد، لزومی ندارد، اما در کردستان طبعاً زبان کردی باید در تمام مدارس آن منطقه آموزش داده شود.

معمولاً در کشورهای غربی که این قوانین را تا حدی رعایت میکنند اگر درصد معینی از

صفحه ۶

گزارشی اماری

از کشته و زخمی شدن کولبران در سال ۲۰۲۰



شاهرخ نقدی

براساس آمار ثبت شده در سال ۲۰۲۰ تعداد ۲۳۰ کولبر در مناطق مرزی و شاهراه های میان استان های آذربایجان غربی، کردستان و کرمانشاه که بر اثر شلیک مستقیم نیروهای مرزبانی، بهمن و برودت هوا، انفجار مین، سقوط از ارتفاع و حوادث گوناگون دیگر زخمی یا جان خود را از دست داده اند به شرح ذیل است.

براساس این آمار ۶۷ کولبر یعنی ۲۹/۱۳ درصد جان خود را از دست داده اند و ۱۶۳ کولبر یعنی ۷۰/۸۷ درصد زخمی شده اند.

نحوه کشته شدن بر طبق گزارشات به شرح ذیل است

از تعداد ۶۷ کولبر که جان خود را از دست داده اند ۵۳ کولبر با شلیک مستقیم نیروهای مرزبانی جان خود را از دست داده اند.

۲ نفر در برف و کولاک یخ زده و جان خود را از دست داده اند

۲ نفر بر اثر غرق شدن در رودخانه های مسیر کولبری

۱ نفر بر اثر تصادفات جاده ای

۳ نفر بر اثر بروز حوادث در هنگام فرار

۶ نفر بر اثر شلیک مستقیم نیروهای مرزبانی ترکیه

۱۳۰ نفر با شلیک مستقیم نیروهای مرزبانی زخمی شده اند

۲ نفر بر اثر برودت هوا دچار مصلوبیت شدید شده اند

۱۱ نفر بر اثر سقوط از ارتفاع

۶ نفر بر اثر انفجار مین

۵ نفر بر اثر کتک خوردن از نیروهای مرزبانی

۲ نفر بر اثر تصادف

۷ نفر بر اثر شلیک مستقیم نیروهای مرزبانی ترکیه زخمی شده اند

آمار کشته و زخمی شده گان کولبر بر اساس درصد در استان مرزی

در استان آذربایجان غربی ۱۶۷ کولبر کشته و زخمی شده که ۵۰/۴۳ درصد را به خود اختصاص می دهد

در استان کردستان ۶۰ کولبر کشته و زخمی که ۲۶/۸ درصد را به خود اختصاص می دهد در استان کرمانشاه ۴۸ نفر که ۲۱/۸۶ درصد را به خود اختصاص می دهد

آمار کشته و زخمی شدگان در ماه های سال میلادی به شرح ذیل می باشد

در ماه اول ۱۹ کولبر یعنی (۸/۲۶) درصد

در ماه دوم ۲۳ کولبر یعنی (۱۰) درصد

در ماه سوم ۵ کولبر یعنی (۲/۱۷) درصد

در ماه چهارم ۴ کولبر یعنی (۱/۷۴) درصد

در ماه پنجم ۳۶ کولبر یعنی (۱۵/۶۵) درصد

در ماه ششم ۲۸ کولبر یعنی (۱۲/۱۷) درصد

در ماه هفتم ۱۶ کولبر یعنی (۶/۹۶) درصد

در ماه هشتم ۲۷ کولبر یعنی (۱۱/۷۳) درصد

در ماه نهم ۲۵ کولبر یعنی (۱۰/۸۷) درصد

در ماه دهم ۱۶ کولبر یعنی (۶/۹۶) درصد

در ماه یازدهم ۲۱ کولبر یعنی (۹/۱۳) درصد

در ماه دوازدهم ۹ کولبر یعنی (۳/۹۰) درصد

۲۳ دی ۱۳۹۹

۱۲ ژانویه ۲۰۲۰



اخبار و گزارشات هفتگی از وضعیت زنان

تهیه و تنظیم: عزیزه نطفی



بازداشت عظیمه ناصری

عظیمه ناصری، شهروند ساکن بوکان توسط نیروهای امنیتی بازداشت شد به گزارش کمپین دفاع از زندانیان سیاسی و مدنی، عظیمه ناصری، ساکن شهرستان بوکان از توابع استان آذربایجان غربی، توسط نیروهای امنیتی بازداشت و به مکانی نامعلوم منتقل شد. عظیمه ناصری روز شنبه ۲۰ دی ماه ۱۳۹۹، در پی یورش نیروهای امنیتی بوکان به منزل شخصی اش او را بازداشت و به مکانی نامعلوم منتقل شده است. نیروهای امنیتی در حین بازداشت عظیمه ناصری ضمن تفتیش منزل برخی از وسایل شخصی او را ضبط کرده اند. تا کنون از وضعیت وی، نهاد بازداشت کننده، دلایل بازداشت و محل نگهداری او اطلاعی در دست نیست.

هفت شهروند ساکن کردستان در کرج و مهاباد بازداشت شدند

روز شنبه بیستم دی ماه، دو دانشجوی به نامهای فرزند سامانی اهل مهاباد و صهیپ بادروج اهل مریوان در خوابگاه دانشگاه خوارزمی بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شدند.

به گفته یک منبع مطلع، حدود ۲۰ تن از نیروهای امنیتی به خوابگاه دانشگاه خوارزمی کرج یورش بردند و پس از تفتیش خوابگاه، این دو دانشجوی را بازداشت کردند.

فرزند سامانی و صهیپ بادروج دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی دانشگاه خوارزمی می‌باشند. همزمان با بازداشت این دو دانشجو، پنج شهروند دیگر به نام‌های "سالار رهوی، دریا طالبانی، شیول خضری، افشین مام احمدی و سیروان نوری" اهل شهرستان مهاباد توسط نیروهای امنیتی بازداشت شدند. از دلیل بازداشت و اتهامات مطروحه علیه این هفت نفر اطلاعی در دست نیست.

با گذشت بیش از یک ماه، نازنین محمدنژاد

نازنین محمدنژاد دانشجوی کارشناسی رشته زبان روسی دانشگاه علامه طباطبائی و فعال سابق دانشجویی کماکان در یکی از سلول های انفرادی بازداشتگاه اطلاعات سپاه موسوم به بند ۲ الف زندان اوین نگهداری می‌شود. الهام محمدنژاد، خواهر نازنین محمدنژاد، روز جمعه ۱۹ دیماه ۹۹، با انتشار ویدیویی می‌گوید: علیرغم پیگیری‌های مکرر، خانواده او نه تنها امکان ملاقات با نازنین را نداشته‌اند بلکه پاسخی در رابطه با دلایل بازداشت فرزندشان نیز به آنها داده نشده است. به گفته او، نازنین محمدنژاد تاکنون از حق داشتن وکیل نیز محروم بوده است.

نازنین محمدنژاد، متولد ۶۷، اهل ماهشهر و فارغ التحصیل کارشناسی رشته ارتباطات از دانشگاه تهران است. وی در کنار نقد آثار ادبی مقالاتی در خصوص وضعیت دانشجویان و زنان و تبعیض‌های ساختاری و چندلایه علیه کارگران، زنان و سایر قشرهای به حاشیه رانده شده جامعه می‌نوشت. شماری از مقالات او در نشریه دانشجویی منتشر شده است.

رها عسکری زاده به سال حبس تعزیری محکوم شد

دادگاه تجدیدنظر استان تهران محکومیت رها (راحله) عسکری زاده، روزنامه نگار، عکاس و فعال حوزه زنان را عیناً تایید کرد. رها عسکری زاده پیشتر در مرحله بدوی توسط دادگاه انقلاب تهران به ۲ سال حبس تعزیری، ۲ سال ممنوعیت خروج از کشور، ۲ سال ممنوعیت فعالیت در فضای مجازی و ۲ سال ممنوعیت از فعالیت در گروه‌های سیاسی و مطبوعات محکوم شده بود.

ارجاع پرونده نجهم واحدی و هدی عمید، فعالین حقوق زنان به دادگاه تجدیدنظر

پرونده نجهم واحدی و هدی عمید، فعالین حقوق زنان به شعبه ۳۶ دادگاه تجدیدنظر استان تهران

جوانمیر مرادی فعال سرشناس کارگری به قید وثیقه از زندان آزاد شد



شود. فشار زندان و دستگیری مجدد از روی او باید برداشته شود. گفتنی است که کانال انجمن صنفی برق وفلز کار کرمانشاه توسط اطلاعات سپاه مسدود شده و گوشی تلفن جوانمیر مرادی همچنان در دست اطلاعات سپاه است. به بسته شدن کانال تلگرام انجمن صنفی کارگران برف و فلز کار کرمانشاه باید وسیعاً اعتراض کرد. حق تشکل، حق اعتراض، استفاده از مدیای اجتماعی به عنوان ابزاری جهت ابراز اعتراض و خبررسانی، حق اعتصاب همه و همه از حقوق پایه‌ای کارگران و مردم در جامعه است.

کمپین برای آزادی
کارگران زندانی
۲۳ دی ۱۳۹۹
۱۲ ژانویه ۲۰۲۱

زندانیان و شکنجه زندانیان سیاسی، پیام‌رسانی به مناسبت سالگرد جانبازگان سال ۹۸، مخالفت با اعدام نوید افکاری و روح الله زم، توزیع کمکهای مالی در میان کودکان کار و خیابان و انتشار گزارش و عکس از از لحظه توزیع اقلام کمکی از طریق کانال انجمن صنفی کارگران برق وفلز کار کرمانشاه بازداشت و زندانی شده بود. این اتهامات بیش از بیش جایگاه و نقش ارزنده جوانمیر مرادی را در دفاع از حقوق کارگران و حقوق مردم معترض علیه فقر و فلاکت و سرکوبیهای حکومت به روشنی بیان میکنند. دستگیری و بازداشت جوانمیر مرادی با چنین اتهاماتی تحت عنوان اقدام علیه امنیت یک مصداق بارز از سرکوب مبارات مردمی تحت چنین اتهاماتی است. باید به امنیتی کردن مبارزات فورا خاتمه داده شود. باید پرونده های امنیتی تشکیل شده برای فعالین کارگری، معلمان دربند و همه زندانیان سیاسی فورا بسته شود. وثیقه ۳۰۰ میلیونی اخاذی شده از جوانمیر مرادی باید به او بازگردانده

روز ۲۳ دی جوانمیر مرادی این چهره شناخته شده کارگری و عضو هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران و عضو انجمن برق و فلز کرمانشاه از زندان آزاد شد. آزادی او نتیجه اعتراضات وسیع و تلاش جانانه فوزیه خالصی همسر وی برای اطلاع رسانی بود. آزادی جوانمیر را به او، به فوزیه خالصی، به فرزندانش، به اتحادیه آزاد کارگران ایران و به همگان تبریک می‌گوییم. جوانمیر مردادی در چهاردهم دی ماه توسط نیروهای سپاه پاسداران کرمانشاه به اتهام تبلیغ علیه نظام و عضویت در گروه های "معاند" بازداشت و به قرنطینه زندان دیزل آباد کرمانشاه منتقل شده بود. او را با قرار وثیقه ۳۰۰ میلیون تومانی آزاد کرده اند تا چماق زندان را بر روی سرش نگاهدارند. پرونده امنیتی تشکیل شده برای وی باید فورا مسدود گردد. جوانمیر مرادی با اتهاماتی از قبیل فعالیت در دفاع از حقوق کارگر، مصاحبه با کانالهای ماهواره ای خارجی در رابطه باوضعیت

ارجاع داده شد. پیشتر شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب تهران هدی عمید، وکیل دادگستری را به ۸ سال حبس، ۲ سال محرومیت از برخی حقوق اجتماعی و ۲ سال محرومیت از اشتغال به وکالت دادگستری و نجهم واحدی را به ۷ سال حبس و ۲ سال محرومیت از برخی حقوق اجتماعی محکوم کرده بود.

بیش از یک میلیون زن از بازار کار رانده شده‌اند

از پاییز ۱۳۹۸ تا پایان ۹ ماهه نخست امسال بیش از یک میلیون زن از بازار کار ایران خارج شده‌اند. از شمار زنان شاغل کاسته و به شمار بیکاران افزوده شده است. مرکز آمار ایران نرخ بیکاری فصل سوم سال را ۹،۴ درصد اعلام کرد که در مقایسه با فصل قبل - تابستان و پائیز سال گذشته کاهش یافته است. این کاهش اما همانطور که پیشتر مرکز پژوهش‌های مجلس اعلام کرده بود از خروج جویندگان کار از بازار ناشی می‌شود و نه ایجاد مشاغل جدید. شمار جمعیت فعال اقتصادی در پاییز امسال نسبت به یک سال قبل یک میلیون و ۴۹۰ هزار نفر کمتر

شده است. به همین نسبت از جمعیت شاغل نیز کاسته شده است. نرخ مشارکت اقتصادی در پاییز سال گذشته ۴۴،۳ درصد گزارش شده بود. در ۹ ماه نخست امسال اما نرخ مشارکت به ۴۱،۴ درصد تنزل یافته که به معنای کاهش یک میلیون و ۴۹۰ هزار نفری جمعیت فعال اقتصادی است.

همانند فصل‌های پیشین زنان بازهم سهم بیشتری در خروج اجباری از بازار کار دارند. حدود یک میلیون و ۴۰ هزار نفر از جمعیت زنان فعال اقتصادی کاسته شده است. در همین دوره ۷۷۷ هزار نفر بر شمار زنان بیکار افزوده شده است. شاخص‌های فصلی بازار کار همچنین نشان می‌دهد در فاصله یک سال گذشته حدود ۵۰۰ هزار نفر به جمعیت بیکاران افزوده شده است. ۲۳۵ هزار زن و ۲۲۱ هزار مرد از پاییز سال قبل تا امسال به جمعیت بیکاران افزوده شدند.

دادگاهی در پاکستان، "آزمایش بکارت" را غیرقانونی اعلام کرد
ممنوعیت انجام آزمایش بکارت موسوم به "آزمایش دو انگشتی" در پرونده‌های تجاوز

جنسی در دادگاهی در پاکستان تصویب شد. فعالان مدافع حقوق زنان از تصمیم این دادگاه منطقه‌ای پاکستان استقبال کرده‌اند. این در حالی است که تنها چند ماه از تصویب قانون مشابهی در کشور همسایه یعنی افغانستان می‌گذرد که اهمیت این موضوع را مضاعف می‌کند.

تصویب این قانون در پاکستان که یک کشور اسلام زده نیز می‌باشد، نشانه تاثیر اعتراضات موجود و مبارزات زنان و فعالین حقوق زنان، روی حکومت این کشور بوده که باعث یک گام رو به عقب حکومت شده است.

انقلاب زنانه معتقد است که اعتراض علیه تمام قوانین اسلامی که اصولاً قوانین کاملاً ضد زن و برای سرکوب زنان وضع شده است، باید با تمام قوا ادامه یابد و بیش از پیش اسلام سیاسی را در کشور های اسلام زده به عقب راند. پدیده بکارت نیز همچون حجاب اجباری یکی از ارکان اصلی مناسبات ضدزن اسلامی است که باید از جوامع دنیا ریشه کن شود.

از صفحه ۴ تبعیض ملی، مسئله زبان...

محصلین در مدرسه ای بخواهند که يك زبان غیرسراسری تدریس شود، آن مدرسه موظف است که تسهیلات این امر را فراهم کند. فرض کنید از میان مهاجرین عرب زبان که در يك کشور اروپائی و یا هر کشور دیگری که این حقوق را تا حدی به رسمیت می‌شناسد زندگی میکنند، اگر در صد معینی خواهان تدریس زبان عربی در مدارس شهر و منطقه محل سکونت خود باشند دولت موظف است که این تسهیلات را فراهم کند.

در ایران هم باید این حقوق را برسمیت شناخت. اینجا البته حقوق مهاجرین مورد بحث ما نیست، ولی مردمی که زبان مادریشان با زبان سراسری متفاوت است باید از حق آموزش به زبان مادری حتی در مناطق دیگر کشور برخوردار باشند. هم در مناطقی مثل کردستان و آذربایجان که زبان محلی متفاوت است و هم در مناطق دیگری که در صد معینی از مردم خواهان آموزش زبان مادریشان باشند باید این حق برسمیت شناخته بشود.

در حال اینها جزئیاتی است که قوانین روشن خواهند کرد. اما روح قضیه، مبنای قضیه، این است که ما حقوق کسی را که به زبان مادری دیگری صحبت میکند به رسمیت بشناسیم و از سوادآموزی و فعالیتهای فرهنگی و اجتماعی به زبان مادری محروم نشکنیم. این را هم تاکید کنم که حد نصاب جغرافیائی صرفاً در مورد آموزش صادق است. یعنی صرفاً برای

آموزش يك زبان مادری در منطقه ای که اکثریت مردم زبان دیگری دارند باید درصد معینی درخواست کنند. ولی در مورد فعالیتهای ادبی و فرهنگی و هنری هیچ نوع محدودیتی، چه جغرافیائی و چه غیر آن، نباید وجود داشته باشد. برای این نوع فعالیتهای هم باید تسهیلات و امکانات لازم را برای همگان، مستقل از زبانی که تکلم میکنند، فراهم کرد

خلیل کیوان: باز پرسشی در همین رابطه دارم. آیا آموزش به زبان مادری معنی اش این است که کلیه دروس مدارس و دبیرستانها، مانند فیزیک و شیمی و دروس دیگر، به همان زبان مادری باید تدریس شود؟

حمید تقوایی: به نظر من اینطور نیست. همانطور که گفتم مسئله تبعیض زبانی و تفاوت میان زبانهای مادری مختلف اساساً حول ادبیات و شعر و ترانه و امثالهم معنی میدهد. اما در مورد علوم باید توجه داشته باشیم که در عصر ما زبان اورینتال علوم زبانهای اروپائی هستند. کشورهای غربی هستند که امروزه در صف مقدم پیشرفتهای فلسفی علمی - چه علوم دقیقه و چه علوم اجتماعی - قرار دارند. زبانهای دیگر، نظیر زبان فارسی و یا زبانهای دیگر که در ایران رایج است، آن گنجینه لغات و مقولات و مفاهیم و آن توان و جامعیت را ندارند که پیشرفتهای

دستاوردهای علوم امروزی را با سهولت و دقت و صحت لازم بیان کنند.

در ایران، آن دوره ای که لااقل من تحصیل میکردم، در دانشگاهها بعضی از دروس به زبان انگلیسی تدریس میشد به خاطر اینکه نمیتوانستند مثلاً مکانیک کوانتیک و یا ریاضیات عالی را به فارسی درس بدهند. زبان فارسی برای این کار خیلی الکن است. متونی هم که به فارسی وجود داشت اکثر قریب به اتفاق لغات و اصطلاحاتش به همان زبان اصلی بود که صرفاً با خط فارسی نوشته شده بود. در مواردی هم از همان سطح سیکل دوم دبیرستان بهتر است دروسی را به زبان انگلیسی درس داد. با این شیوه خیلی بهتر و گسترده تر و عمیق تر میتوان علم را در کشور ایران رواج داد.

ما تعصبی نداریم. يك فرق ما با ناسیونالیستها در این است که ما روی فرهنگ خود، زبان خود، تاریخ خود، تعصب نداریم. ما میگویم که همه جوامع باید به استقبال فرهنگ پیشرفته انسانی بروند و به همین خاطر بر ارزشهای جهانشمول تاکید میکنیم. دستاوردهای فرهنگی و علمی مثلاً به زبان انگلیسی فقط متعلق به جامعه انگلیسی زبان نیست، بلکه دستاورد رشد فکری و فرهنگی کل بشریت است. روند تحولات تاریخی به شکلی بوده که امروز کشورهای غربی و اروپایی پیشتاز فرهنگ و پیشتاز علم و هنر هستند. این را باید در همه کشورها مستقل از اینکه به چه زبانی

صحبت میکنند، به رسمیت شناخت.

خلیل کیوان: آخرین پرسش من شما را مطرح میکنم. شما به زبان انگلیسی اشاره کردید. برنامه حزب کمونیست کارگری صحبت از این میکند که تدریس زبان انگلیسی در تمام مدارس از سنین پایین شروع شود. برنامه میگوید که زبان انگلیسی باید به تدریج به زبان اداری و آموزشی متداول در کشور تبدیل شود. آیا آموزش زبان انگلیسی تا این حد که شما روی آن تأکید دارید مغایر با خود آموزش زبان مادری نمیشود؟

حمید تقوایی: به هیچ وجه اینطور نیست. ما خواهان آموزش زبان انگلیسی در کنار زبان اصلی و دیگر زبانهای رایج در مناطق مختلف کشور هستیم. من توضیح دادم که زبان انگلیسی در نتیجه يك سری تحولات تاریخی به يك زبان غنی و کاملاً جامعی برای علوم بدل شده است. علوم به معنی وسیع کلمه، از علوم دقیقه تا علوم اجتماعی و پزشکی و فلسفه و تئوریهای اقتصادی و مکاتب فکری و غیره. این یکی از دلایل عروج زبان انگلیسی به يك زبان بین المللی است.

در کشور سوئد از سنین پایین، از سطح دبستان، زبان انگلیسی تدریس میشود با وجود اینکه زبان سوئدی بالاخره جزو فرهنگ اروپایی است و از نظر علمی آن ضعف مثلاً زبان فارسی را ندارد، با این حال، در آنجا انگلیسی تدریس میشود چون

سخنرانی های پرشور خود اعلام کردند تا زمانی که جان در بدن دارند دادخواه هستند، دادخواه هستند و دادخواه هستند و تا روشن شدن تمام حقایق و محاکمه آمران این جنایت، در مقابل هر گونه قلدری حاکمان اسلامی خواهند ایستاد.

آنان در این سال یاد نشان دادند که جامعه و مردم ایران، مدرن، پیشرو، سکولار، انقلابی و عمیقاً مدافع حق و حقوق انسانی هستند. خانواده های این عزیزان را باید در آغوش گرم و پر محبت خود گرفت و همصدا با آنان تا سرنگونی جلاان اسلامی و محاکمه آمران،

خانواده های جانباختگان هواپیمای اوکراینی شایسته بهترینها هستند

عبدل گلپریان

در سالگرد جانباختن ۱۷۶ انسان با شلیک دو موشک توسط سپاه پاسداران حکومت آدمکش اسلامی در ۱۸ دیماه ۹۸، خانواده های این عزیزان در گرامیداشت عزیزترین هایشان در فرودگاه تهران و محل سقوط هواپیما در منطقه شهریار و در محاصره مزدوران آدمکش اسلامی، نمونه برجسته ای از برگزاری سال یاد عزیزان خود را به جهانپیان نشان دادند.

آنچه که در برگزاری این دو مراسم برای هر ناظر و بیننده ای

جلب توجه میکرد، خشم و اعتراض، دادخواهی، جسارت و بی باکی در برابر حاکمان آدمکش، توأم با سازماندهی دو مراسم بزرگ بگونه ای مدرن و پیشرو و مملو از احساسات و عواطف عمیق انسانی بود.

خشم و دادخواهی خانواده های عزیزان جانباخته در کنار تصاویر ۱۷۶ انسان، نشانهنده خشم و تنفر کل جامعه ایران از تمامی دسته جات آدمکش اسلامی طی بیش از چهار دهه گذشته است.

اما خانواده های این عزیزان در



عاملان و تمامی دست اندرکاران این جنایت از پا ننشست. خانواده های جانباختگان هواپیمای اوکراینی شایسته بهترینها هستند.

یاد ۱۷۶ انسان عزیز گرامی باید.
۸ ژانویه ۲۰۲۱
۹۹ دی ۹۹

حکم چهل و یک سال زندان برای معترضین به کشتارمسافران پرواز اوکراینی

احکام زندان برای کسانی که به جنایت و کشتار ۱۷۶ سرنشین هواپیمایی اوکراینی اعتراض کردند، مهر دیگری در اثبات چهار دهه سرکوب، زندان شکنجه و نقض حقوق انسانی توسط رژیم جمهوری اسلامی است.

یک سال پیش، ۱۸ دی ماه ۹۸، زندگی انسانی که با هزاران امید و آرزو چمدان زندگیشان را بدست گرفته بودند تا بسوی آینده قدم بردارند، هدف موشکهای عامدانه رژیم اسلامی جنایتکار اسلامی قرار گرفت. سران رژیم سه روز تمام دروغ گفتند! با وقاحت تمام در مقابل خبرنگاران خارجی با این سوال که چرا بلافاصله تمام آثار را از بین بردید، در صورتیکه اجازه اینکار را نداشتید و این خلاف قانون بود، گفتند: «اشکال فنی بود و شما حق قضاوت ندارید».

اما مانند همیشه تحت افشاگریها و فشارهای مردم مجبور شدند اعتراف کنند و بگویند «خطای انسانی» بود. اما با وجود فاجعه انسانی که مرتکب شده بودند در مقابل غم و خشم مردمی که به خیابان آمدند مثل هزاران بار دیگر تاب نیاوردند و دهها نفر را دستگیر کردند.

دهها نفر از فراخوان دهندگان تا دانشجویان دستگیر شدند و بیست و هفت نفر ۴۱ سال حکم زندان گرفتند. از بین بردن آثار جنایتشان، دستگیری خانواده ها و فعالین، تحویل ندادن جعبه سیاه و عدم اعلام اسامی عاملان و آمران این جنایت، پرونده دیگری از عمر حکومت قاتل مردم است.

این در حالیکه امروز مردم همراه جنبش دادخواهی خانواده ها زمین را زیر پایشان چنان داغ کرده اند که مجبور میشوند با از وحشت اعتراض مردم جایگاه سرنگونی هواپیما و جانیختگان را گلباران کنند. کشتن ۱۷۶ مسافر پرواز پی اس ۷۵۲ سقوط یک هواپیما و یا صرفا شلیک به یک هواپیما نبود، این یک قتل عام بود و باید عاملین و آمرین رژیم را دادخواهی کرد.

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی ضمن همدردی با خانواده ها و همراهی با جنبش دادخواهی خواستار آزادی بی قید و شرط تمام دستگیر شدگان در اعتراضات خیابانی و یا پس از وقوع این جنایت میباشد.

ما خواهان #بایکوت_جمهوری_اسلامی در سراسر دنیا هستیم.

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی
۱۸ دی ۱۳۹۹ / ۸ ژانویه ۲۰۲۱

فضای اربعاب، دستگیری و فشار بر فعالین کارگری در کردستان را باید درهم شکست



هه ژار علی پور

را با دستگیری و زندان و شلاق یا احکام اعدام علیه زندانیان سیاسی پاسخ می‌دهد. فرقی نمیکند که شما از کدام طبقه محروم در جامعه هستی، یک کولبر یا کاسبکار مرزی، یک کارگر ساختمان یا نانوا، یا یک دستفروش در معابر عمومی و یا پرستار و یک معلم، کولبران را بوسیله شلیک مستقیم مزدوران جنایتکار در مرزها به جرم تامین یک لقمه نان هدف قرار می‌دهند، کارگر، پرستار یا معلم را بیکار و ماهها بدون پرداخت دستمزد زجر داده و سپس با پرونده های امنیتی مواجه می‌کنند، تمام دار و ندار دستفروشان سر معابر و خیابانها را غارت می‌کنند و مزدوران شهرداری را به جانان می‌اندازند و کرامت و جان انسانها توسط عوامل جمهوری اسلامی تخریب و مورد توهین قرار داده می‌شود.

ما مردم ماهیت این حکومت جنایتکار اسلامی را خوب میشناسیم، حکومتی که هزاران جنایت در کارنامه اش موجود است، در سالگرد کشتار و شلیک عمدی دو موشک به هواپیمای اوکراینی رهبر جنایتکار رژیم فتوی کشتار مردم را با عدم خرید و تهیه واکسن کرونا برای میلیونها انسان صادر کرده است. این حکومت رفتنی است و زندان و سرکوب و حتی اعدام هم دیگر نمیتواند به بقای ننگین این حکومت آدمکش کمک کند. باید مبارزه متحدانه ای در دفاع از دستگیر شدگان اخیر را سازمان داد و با متشکل شدن در شوراها و کمیته های محلات با مبارزه ای پیگیر و سازمانیافته از حق و حقوق انسانی تمام زندانیان سیاسی دربند که خواهان داشتن یک زندگی بهتر، رفاه بهتر و یک دنیای آزاد و برابر هستند به میدان بیاییم. این حکومت را باید با کلیتش سرنگون کرد و محاکمه عاملین چهار دهه جنایت و کشتار در دادگاه های علنی و بین المللی باید به جرم جنایاتشان تاوان پس بدهند.

۲۳ دیماه ۹۹

طیفهای مختلف جامعه میبندند تا صدای برحق و اعتراضی جامعه را به این شکل ساکت کند. موج اخیر اعدام های یکسال گذشته، دستگیری های گسترده و سرکوبهای سیستماتیک حکومت اسلامی علیه مردم کردستان سیاست این رژیم برای تعرض به کل جامعه کردستان و در ایران بوده است.

در چند روز گذشته حکومت اسلامی تعداد زیادی از دانشجویان دانشگاه خوارزمی و فعالین کارگری را در شهرهای مهاباد، مریوان، کرج، بوکان و کرمانشاه به دلایل نامعلومی تا این لحظه دستگیر و به بازداشتگاه های اداره اطلاعات در این شهرها منتقل کرده است. فشار بر خانواده های دستگیر شده گان و تهدید به عدم تماس با رسانه ها و انعکاس دستگیری زندانیان در میدیای اجتماعی از طرف خانواده هایشان متعاقبا با برخورد یا بازداشت آنان همراه خواهد بود. در موارد متعددی جمهوری اسلامی فعالین سرشناس از جنبش های اعتراضی را وادار به «اعترافات اجباری» و «مستند اعترافات» گرفته شده در تلویزیون جمهوری اسلامی به نمایش گذاشته که بوسیله آن احکام ظالمانه و سنگینی را برای زندانیان در بند این حکومت صادر کنند. از یک طرف مردم در ایران و مخصوصا در شهرهای کردستان با اپیدمی کرونا دست و پنجه نرم می‌کنند، از طرفی دیگر شرایط بسیار وحشتناک و سخت زندگی در چند سال اخیر که میزان فقر و بیکاری به صفر رسیده، نبود هیچگونه امکانات رفاهی، درمان، شغل و درآمد، زندگی را برای میلیونها انسان به جهنم تبدیل کرده است. آمار خودکشی وحشتناک است و در همین چند ماه گذشته خودکشی ها و قتل های ناموسی رو به افزایش یافته و این همه معضلات موجود ناشی از وجود یک حکومت فاسد و تبهکاری است که زندگی مردم را به گروگان گرفته و صدای هر مخالفتی

از زمان سرکار آمدن جمهوری اسلامی کردستان به سنگر مقاومت و مبارزه علیه یک حکومت به غایت جنایتکار و آدمکش تبدیل شده است. جمهوری اسلامی به مناسبت های مختلف بارها سعی کرد با حکومت نظامی و پیاده کردن سیاستهای تبعیض آمیز و ضد انسانی، جلوی مبارزات برحق و رادیکال مردم و جنبش های اعتراضی در کردستان را سد کند و به زانو در آورد. اما نه تنها در چهار دهه حاکمیت ننگین خود نتوانست از اقتدار و آرمانخواهی و مبارزه برای عدالت اجتماعی مردم کردستان بکاهد، بلکه هر دوره با شکست و زمین گیر شدن از سوی هزاران انسانی که برای یک زندگی بهتر و حقوق انسانی خود دست به اعتراض و مبارزه زده اند به عقب رانده شد.

در طول دوران حاکمیت اسلامی فضای شهرهای کردستان با جنبش های نوین اجتماعی مملو بود از مبارزه و دفاع از خواست و اراده آزادیخواهان مردم، فعالین کارگری و سیاسی و غیره و این به همت مبارزه و سازماندهی توده های در کردستان برای بریز کشیدن مزدوران و مافیای ارتجاعی حاکم بر ایران این تلاش ها ادامه دارد. ماشین کشتار و اربعاب جمهوری اسلامی در مقابل اراده فولادین مردم در کردستان همیشه بکار گرفته شده طوریکه هر بار اعتصابات و اعتراضاتی نه تنها در کردستان بلکه در هرجای ایران علیه حاکمیت به راه افتاده را با دستگیری و زندانی کردن فعالین کارگری و سیاسی در کردستان شروع و زندانیان سیاسی که در بیدارگاههای این رژیم در دادگاههای نمایشی به اعدام محکوم شده اند را فوراً با اجرای احکام اعدام وسیله مرعوب و وحشت مردم کرده است. رهبران کارگری و فعالین سیاسی و مدنی را دستگیر و با اتهامات «اقدام علیه امنیت ملی» پرونده های سیاسی و امنیتی به فعالین در



اطلاعیه های حزب در مورد اعتراضات کارگری

کارگران نیشکر هفت تپه پیگیر مطالباتشان هستند

تجمعات اعتراضی کارگران نیشکر هفت تپه برای پیگیری مطالباتشان و اعتراض به تشدید فشار بر روی نمایندگانشان ادامه دارد. بنا بر اخبار منتشر شده، اسدیگی و باند مافیایی برای ادامه چپاولگری هایشان در اوج استیصال به هر توطئه و بازی کثیفی متوسل میشوند. یکی از این توطئه ها استفاده از اسم کارگران خوشنام برای انتشار اخبار کذب از رسانه هاست. طبق خبر اسدیگی برای اینکه دروغ های خود را به خورد رسانه ها بده چند نشست دسته جمعی با خبرنگار ها ترتیب داده است. از جمله تحت عنوان اینکه قرار است چند نفر از کارگران شرکت از جمله چشمه خاور، اسماعیل بخشی، محمد خنیفر و ابراهیم عباسی و ... نیز در این نشست ها شرکت کنند، نشست را با خبرنگار برنامه ریزی کرده بودند. بدون اینکه این کارگران یک ذره خبر داشته باشند. و وقتی خبرنگاران سراغ کارگران را گرفته بودند، با جوابی سریع تلاش کرده بودند سر و ته قضیه را هم بیاورند و گفته بودند حالا که آمده ای و آنها نیستند خویست حرفهایمان را بزنیم که چند نفر از خبرنگاران متوجه موضوع شده و فوراً جلسه را ترک کرده بودند. بدین ترتیب پخش این خبر بار دیگر بی آبرویی و درماندگی مافیای هفت تپه را به نمایش گذاشت.

جالب است که وقتی یکی از خبرنگاران از آنها سوال کرده بودند چرا عوامل شورای اسلامی را به نشست نیاورده اید، آنها پاسخ داده بودند که آنان در هفت تپه خوش نام نیستند و نمیشود چنین جلسه ای را ترتیب داد!

کارگران نیشکر هفت تپه ضمن انتشار این خبر به خبرنگاران هشدار داده بودند که مواظب چنین دسیسه هایی باشند و اعلام کرده اند که چند خبرنگار معذور نیز که خریداری شده اند، فقط خود را بی اعتبار تر کرده اند و مکانی در میان مردم ندارند.

پیش بسوی اعتصابات سراسری
پیش بسوی ایجاد شوراها
حزب کمونیست کارگری ایران
۲۳ دی ۱۳۹۹، ۱۲ ژانویه ۲۰۲۱

کارگران هفت تپه متحدانه کنار نمایندگانشان ایستاده اند

صبح روز ۲۲ دی در حالیکه سرکوبگران کمیته انضباطی یوسف بهمنی را فراخوانده بودند، شماری از کارگران او را همراهی کردند و در دفاع از همکار و نماینده خود و ارائه اسنادی این کار کمیته انضباطی را غیر قانونی خوانده و اجازه ندادند که جلسه این کمیته ادامه یابد. همزمان با این حرکت باقی کارگران در حمایت از نمایندگانشان و برای پیگیری مطالبات خود که از روز بیستم دیماه

شروع شده در محل شرکت تجمع کردند. کارگران نیشکر هفت تپه در ادامه این اعتراضات و در اعتراض به گزارشات کاذب باند اسدیگی و دار و دسته شوری اسلامی مبنی بر اینکه حقوقهای کارگران منظم پرداخت شده و مشکلات برطرف شده است، برای فردا نیز اعلام اعتصاب کرده اند. مقامات حکومتی از یکسو تلاش میکنند با وعده و وعید برای خود وقت بخرند و مشغول ساخت و پاخت بر سر ابقای اسدیگی و باند مافیایی او جهت عقب زدن اعتراضات کارگران هستند، و از سوی دیگر تلاش دارند که با امنیتی کردن فضای کارخانه و احضار کردن ها و تهدید کردن ها، اوضاع را تحت کنترل خود در آورند. در برابر چنین شرایطی کارگران نیشکر هفت تپه قاطعانه ایستاده اند و یک خواست فوری آنها جمع شدن کامل بساط شورای اسلامی و کمیته انضباطی است.

بنا بر آخرین خبرها تصمیم گیری در مورد موضوع خلع ید از باند مافیایی اسدیگی و بخش خصوصی بدنبال شکایت سازمان خصوصی سازی و رد آن از جانب هیات داور دیوان محاسبات، به قوه قضایی ارجاع داده شده است. این مساله بیش از هر چیز بیانگر اغتشاش و درماندگی حکومت بر سر تصمیم گیری در مورد مساله مالکیت هفت تپه و دزدی هایشان، در برابر اعتراضات کارگران است. کارگران نیشکر هفت تپه اعلام کرده اند که اگر از مافیای چپاولگر حاکم بر شرکت خلع ید نشود اعتصابات خود را از سر خواهند گرفت و امروز نیز محکم در مقابل سرکوبگری ها ایستاده اند.

کارگران نیشکر هفت تپه خواستار خلع ید از اسدیگی و گسیل یک نفر از جانب دولت برای اداره کارخانه تحت نظارت خود هستند. بعلاوه کارگران اعلام کرده اند که آنها مطالبات اساسی دیگری نیز دارند که باید جواب بگیرد. از جمله بازگشت به کار همکاران اخراجی، پرداخت بوقع دستمزدها و تسویه حساب طلبهایشان، تمدید دفتر چه های بیمه، و پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات و پایان دادن به توطئه گریهای شورای اسلامی و کمیته انضباطی آنست. کارگران نیشکر هفت تپه با قدرت اتحاد و تصمیم گیری شورایی خود محکم ایستاده اند و یک عرصه مهم مبارزه همین امروز کارگران نیشکر هفت تپه جارو کردن کل بساط شوراها و نهاد های سرکوب از این شرکت است. از مبارزات و خواستهای کارگران نیشکر هفت تپه باید وسیعاً حمایت و پشتیبانی کرد.

زنده باد هفت تپه سنگر مهم جنبش کارگری
پیش بسوی اعتصابات سراسری
پیش بسوی ایجاد شوراها
حزب کمونیست کارگری ایران
۲۲ دی ۱۳۹۹، ۱۱ ژانویه ۲۰۲۱

کارگران هفت تپه به تجمعات اعتراضی در دفاع از نمایندگانشان ادامه میدهند

روز ۲۱ دی ماه کارگران نیشکر هفت تپه برای سومین روز در حمایت از نمایندگانشان و در اعتراض به پرونده سازیها و تهدید به اخراج کردنها و تحرکات کمیته انضباطی کذایی دست به تجمع زدند. در این تجمع یوسف بهمنی ضمن گزارش این تجمع خطاب به افکار عمومی از اینکه اولویت اول این کارگران تولید است اما وقتی امنیت شغلی تامین نشود اولویت اولشان امنیت شغلی است، از علت تجمع این روز خود سخن گفت. او از اینکه مدیریت هیچ کاری برای کارگر نکرده و نه در هنگام کشت نه در هنگام آبیاری و نه برداشت حضور ندارد صحبت کرده و با این سخنان همچون همیشه بر حفظ هفت تپه به عنوان مساله مهم زندگی و معیشت کارگران تاکید کرد.

کارگران نیشکر هفت تپه محکم و استوار و با اتکا، به اراده شورایی خود در برابر سرکوبگرها و تهدید و فشار بر روی نمایندگان منتخب خود و تشبیهات شورای اسلامی و کمیته انضباطی آن علیه کارگران ایستاده اند. کارگران نیشکر هفت تپه پیگیر مطالبات خود هستند و نه ماه است که متحدانه علیرغم فشارها و تهدیدها و اخراجها از خواستهای خود دفاع میکنند. خواست اول کارگران خلع ید از بخش چپاولگر خصوصی است. پرداخت بوقع دستمزدها و تسویه حساب طلبهای کارگران، تمدید منظم دفترچه های بیمه، بازگشت به کار کارگران اخراجی، توقف احضارها، تهدیدات و پرونده سازی ها و امنیتی کردن مبارزات، خواستهای عاجل این کارگران است. از خواستها و مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه باید وسیعاً حمایت و پشتیبانی کرد.

زنده باد هفت تپه سنگر مهم جنبش کارگری
پیش بسوی اعتصابات سراسری
پیش بسوی ایجاد شوراها
حزب کمونیست کارگری ایران
۲۱ دی ۱۳۹۹، ۱۰ ژانویه ۲۰۲۱

کارگران فولاد اهواز بساط "انتخابات" شورای اسلامی را بهم ریختند
کارگران: اینجا گروه ملی است و ما تصمیم میگیریم

صبح روز دوشنبه ۲۲ دی ماه مسئولین فولاد اهواز با همدستی اداره کار و مدیریت مافیایی این شرکت و خانه کارگریها علیرغم مخالفت قاطعانه کارگران فولاد اهواز، بنا بر برنامه ریزی قبلی تلاش داشتند که به خیال خود مضحک انتخابات برای

ایجاد شورای اسلامی در این شرکت را به راه بیندازند. اما با مقابله متحدانه و قاطع کارگران روبرو شده و بساطشان را جمع کردند و رفتند.

بنا بر خبر قرار بود آنها ساعت ۹ صبح انتخابات کذایی شان را به پا کنند. از همین رو کارگران از همه بخشهای شرکت از ساعت ۸ صبح در محلی که برای برپایی این نمایش معرفی شده بود، تجمع کردند و به محض ورود عوامل اداره کار و حراست از آنها خواستند که بساطشان را جمع کنند و بروند. ولی در پاسخ به کارگران گفته شد که دستور صریح دارند تا "صندوق رای" را در محل مستقر و رای گیری کنند. اما کارگران قاطعانه ایستاده و اعلام کردند که اجازه نمیدهند. در ادامه بحث و جدل هایی میان کارگران و عوامل اجرایی در گرفت که منجر به ایجاد درگیری فیزیکی بین مسئول حفاظت اداره حراست با تعدادی از کارگران گردید و کارگران معترض صندوق رای گیری را تخریب کردند. سرانجام با دخالت نیروهای انتظامی مسئول حراست و هیئت اداره کار از محل دور شدند و قبل از ترک شرکت با استیصال تمام اعلام کردند که صورتجلسه ای تنظیم و اعلام خواهند کرد که کارگران ضمن مخالفت شدید مانع از استقرار هیئت برگزاری انتخابات شورای اسلامی شده اند. کارگران نیز در پاسخ قاطعانه اعلام کردند و گفتند: "اینجا گروه ملی است و ما کارگران تصمیم میگیریم چه کاری انجام شود. نه مسئولین شرکت و نه دیگر مقامات هیچکدام حق تصمیم گیری برای ما را ندارند".

بدین ترتیب کارگران فولاد اهواز در این روز با یک حرکت متحدانه توطئه برپایی ارگان کثیف و ضد کارگری شورای اسلامی را خنثی کردند و اجازه ندادند که این توطئه به سرانجام برسد. این تجربه ای آموزنده برای همه کارگران و مردم در سراسر کشور است که ارگانهای جاسوسی و توطئه گری را در هم بریزند و مانع برپایی آنها شوند.

فولاد اهواز در کنار نیشکر هفت تپه دو سنگر مهم جنبش کارگری هستند و نقش پیشتازی در مقابله با شوراها و اسلامی این نهادهای ضدکارگری دست ساز حکومتی ایفا کرده اند. این کارگران بر تشکیل واقعی خود یعنی تصمیم گیری متحدانه شورایی تاکید دارند. گفتنی است که در طول یک سال گذشته این دومین بار است که کارگران گروه ملی فولاد اهواز موفق میشوند که با همبستگی و اتحادشان جلوی توطئه و فتنه تشکیل شورای اسلامی را در محیط کارشان را بگیرند. این یک پیشروی و پیروزی جانانه دیگر برای کارگران گروه ملی و همه کارگران است. زنده باد کارگران گروه ملی اهواز!

پیش بسوی اعتصابات سراسری
پیش بسوی ایجاد شوراها
حزب کمونیست کارگری ایران
۲۲ دی ۱۳۹۹، ۱۱ ژانویه ۲۰۲۱

شوراهای سازماندهی اعتراضات را در همه جا ایجاد کنیم

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

تلفن و ای مایل آدرس تماس با سردبیر
Tel: 00358405758250
E-mail: abdolgolparian3@gmail.com